

اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت های فراشناخت بر افزایش سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان طلاق

آذر شهری^۱، محسن ایزان^۲، پروین حشمتی وحید^۳

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت های فراشناخت بر افزایش سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان طلاق بود. این پژوهش شبه تجربی از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کودکان طلاق مقطع ابتدایی شهر ملک آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند. از میان مدارس ابتدایی این شهر، مدرسه مهدیه به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شد. از میان کودکان طلاق این مدرسه نمونه ای به تعداد ۳۰ نفر انتخاب شدند که به صورت تصادفی ۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل گمارده شدند. سپس پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا "بخش سازگاری اجتماعی" (کلارک و همکاران، ۱۹۵۳) و پرسشنامه عملکرد تحصیلی (درتاج، ۱۳۸۳) به عنوان پیش-آزمون در مورد هر دو گروه اجرا شد. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت های فراشناخت به روش پژوهش مشارکتی، روی گروه آزمایش در ده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای اعمال شد. در اداره‌ی این کلاس‌ها از شیوه‌ی کلاس داری به شیوه‌ی حلقه‌ی کندو کاو استفاده شد. مواد آموزشی مورد استفاده در این پژوهش از کتاب داستان‌های فکری برای کودکان تألیف فیلیپ کم و و بسته آموزشی مهارت‌های فراشناختی پیتر ریچ بود. در پایان این دوره هر دو گروه پرسشنامه‌های فوق را به عنوان پس‌آزمون تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش ترکیبی فلسفه برای کودکان و آموزش مهارت‌های فراشناخت باعث بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان طلاق می‌شود و سازگاری و تحمل آنها را افزایش می‌دهد. بنابراین توجه به اثربخشی آموزش فلسفه به روش پژوهش مشارکتی و مهارت های فراشناخت بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان طلاق از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کلید واژه ها: آموزش برنامه فلسفه، مهارت‌های فراشناختی، سازگاری اجتماعی، عملکرد تحصیلی، دانش آموزان طلاق.

^۱. دکتری مدیریت آموزشی، دبیر آموزش و پرورش، تهران، ایران، نویسنده مسئول، shahri.azar^۱@gmail.com

^۲ دکتری مدیریت آموزشی، تهران، ایران.

^۳. فوق لیسانس مدیریت آموزشی. تهران. ایران.

مقدمه

خانواد کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات یا ناپایداری اش بر اعضای خانواد و جامعه اثر می گذارد و فروپاشی این واحد کوچک گاه چنان اثر عمیقی بر فرزندان دارد که باورکردنی نیست. طلاق والدین به منزله از دست رفتن چتر امنیتی فرزندان است که میتواند بر سلامت روانی و اجتماعی آنها تأثیر بگذارد، بر این اساس خانواده عنصر مهمی در امنیت و سلامت اجتماعی و روانی فرزندان است و طلاق یک عامل مخرب (یحیی زاده و حامد، ۱۳۹۴). طلاق به هر دلیل، درست یا نادرست، برای افراد خانواده و جامعه مشکلات اقتصادی، روانی، عاطفی و اجتماعی ناگواری به دنبال دارد و آنها را به انزوا می کشاند. پژوهشهای متعددی در ارتباط با طلاق صورت گرفته است که نشان دهنده تداوم تأثیرات نامطلوب طلاق تا سنین بالاست (بری^۱)، استویلیسن و دونوان^۲، ۲۰۱۰). کودکان طلاق مشکلات درونی سازی و برونی سازی شده بیشتری نسبت به سایر کودکان دارند (استکول^۳، ۲۰۱۱). کودکان طلاق در پیشرفت تحصیلی، سلوک، سازگاری روانشناختی، خودپنداره و توانش اجتماعی نمره های پایینتری از سایر کودکان گرفته اند (یعقوبی، سهرابی و مفیدی، ۱۳۸۹). فرزندان طلاق بهداشت روانی پایین تر، سبک مقابله ای ناکارآمد و اجتنابی، روابط بین فردی مختل (قمری و فکور، ۱۳۸۹) گرایش به الکل و مواد مخدر، ترک تحصیلی، ناسازگاری اجتماعی، اختلالات رفتاری، مشکلات هیجانی، نافرمانی مقابله ای، مشکلات سلوک و ناسازگاری اجتماعی بیشتر نسبت به فرزندان عادی را تجربه می کنند. به طور کلی سلامت روان در افرادی که خانواده حمایت کننده ای ندارند یا والدینشان از هم طلاق گرفته اند به صورت قابل ملاحظه ای پایین تر از افراد عادی است (جانسون^۴، ۲۰۱۰). از سوی دیگر سازگاری اجتماعی در نوجوانان به عنوان مهمترین نشانه سلامت روان است که عوامل متعددی نظیر مهارت های فراشناختی، مهارت های حل مسئله، هوش معنوی و آموزش های فلسفی در ایجاد و تقویت آن موثر هستند (منصوری و حسینی فر، ۱۳۹۷؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۹۸؛ مومنی مهمویی و پرورش، ۱۳۹۵ و پارسامهر و حدت، ۱۳۹۵). سازگاری مهمترین نشانه سلامت روانشناختی است و با حوزه های عاطفی، اجتماعی و آموزشی مرتبط است (لوگان و والکر^۵، ۲۰۱۱). سازگاری اجتماعی به تعامل و سازش یافتگی فرد با افراد و ساختارهای اجتماعی، عدم نگرانی در مواجهه با مردم و نیز نداشتن احساس انزوا مرتبط است (کورت رای^۶، ۲۰۰۸). یکی از نشانه های اجتماعی شدن، سازگاری اجتماعی است. سازگاری اجتماعی به عنوان یکی از انواع سازگاری، به معنای تطابق با مقتضیات اجتماعی، رعایت اصول و قوانین جامعه و کارایی در روابط اجتماعی است. همچنین سازگاری اجتماعی، مهمترین جنبه رشد اجتماعی هر فرد محسوب می شود که در تعامل با دیگران، موفقیت شغلی و تحصیلی افراد تأثیر بسزایی دارد. سازگاری اجتماعی با موفقیت تحصیلی ارتباط دارد و پسران نسبت به دختران، از نظر سازگاری اجتماعی وضعیت بهتری دارند (والاس^۷، ۲۰۰۱). جهت رسیدن به سازگاری اجتماعی نیاز به دانش و آگاهی و رسیدن به بصیرت و استراتژی های فراشناختی می باشد که از طریق نظارت و کنترل و هدفمندی که همگی با آموزش کسب می شوند میسر است. با توجه به اینکه فرزندان طلاق مشکلات سازگاری بیشتری نسبت به فرزندان عادی دارند و با توجه به نتایج تحقیقات که نشان دادند بین آموزش فلسفه برای کودکان و راهبردهای فراشناختی با سازگاری روان شناختی و اجتماعی ارتباط مستقیمی وجود دارد می توان از آموزش راهبردهای فراشناخت و فلسفه برای کودکان در جهت سازگاری اجتماعی دانش آموزان بهره برد. فرحبخش، فرخی و شجاعی میبدی (۱۳۹۸) در پژوهشهای خود به این نتیجه دست یافتند که افراد که دارای مهارت های فراشناختی هستند هنگام رویارویی با آسیب پاسخ های بهتری می دهند و موقعیت های فشارزا را بهتر اداره می کنند و از سلامتی بهتری برخوردارند. مطالعه شفیع، و میر مهدی، (۱۳۹۹) حاکی از این بود که آموزش فلسفه برای کودکان بر افزایش استدلال اخلاقی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان تأثیر معنی داری داشته است. افشاری (۱۳۹۸) رابطه مثبت و معنی داری را بین مهارت

^۱. Beryy.

^۲. Stoyles & Donovan

^۳. Stekoll

^۴. Johnson

^۵. Logan & Walker

^۶. Courtwright

^۷. Valas

های فراشناخت و سازگاری اجتماعی دانش آموزان گزارش کرده است. نتایج پژوهش باقریان، نادری و اصغری گنجی (۱۳۹۸)، نشان داد آموزش سبک‌های شناختی و فراشناختی بر سازگاری اجتماعی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

یکی دیگر از متغیرهایی که متأثر از واقعه طلاق هست افت تحصیلی است. این پدیده علاوه بر زیان‌های هنگفت اقتصادی، آثار سوئی بر سلامت روحی دانش آموزان بر جای می‌گذارد. برخلاف گذشته که تصور می‌شد توانایی یادگیری هر فرد تنها تابعی از میزان هوش و استعداد‌های اوست، اکنون باور بر این است که با وجود نقش تعیین‌کننده عوامل ذاتی در یادگیری، عوامل دیگری نیز در میزان یادگیری نقش اساسی دارند. تفاوت در میزان یادگیری افراد در میزان دانش آنها نیست، بلکه در کیفیت و چگونگی یادگیری آنها است (اگریوسا^۱، ۲۰۱۰). تدابیری که به منظور تسهیل، تثبیت، تعمیق و یادآوری یادگیرهای فرد مورد استفاده قرار گیرند، راهبردهای یادگیری نامیده می‌شود (لیونس واکتر^۲، ۲۰۱۰). به عبارتی دیگر، راهبردهای یادگیری، روشها و شیوه‌هایی هستند که یادگیرندگان در حین یادگیری به کار می‌گیرند تا به هدفهای آموزشی مورد نظر دست یابند (مینلا^۳، ۲۰۱۱). از مهمترین راهبردهای یادگیری می‌توان به راهبردهای فراشناختی اشاره کرد (شاننون^۴، ۲۰۰۸). فعالیت فراشناختی وقتی رخ می‌دهد که دانش آموزان ضمن حل مسئله و تفکر هدفمند، آگاهانه تفکر خویش را انطباق داده و هدایت نمایند. لامبرت مویکا^۵ (۲۰۰۰) نشان داد که کاربرد مهارت‌های فراشناختی، دانش آموزان را در موقعیت‌های تحصیلی و اجتماعی توانمند می‌سازد تا خود را با موقعیت‌های جدید سازگار کنند و بر پیشرفت خویش نظارت داشته باشند. ویدا (۱۹۹۹) به نقل از فرحبخش و همکاران (۱۳۹۸) بیان کرد که دانش آموزانی که از راهبردهای یادگیری در محیط یادگیری استفاده می‌کنند مهارت‌های خود ارزیابی و خود نظارتی در آنها رشد می‌کند. او معتقد است با آموزش این راهبردها می‌توان دانش آموزان را به صورت فراگیران مستقل، هدفمند و کارآمد بار آورد.

از جمله مداخله‌هایی که می‌تواند بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی تأثیر داشته باشد آموزش مهارت‌های فراشناختی و آموزش فلسفه برای کودکان است. تاثیر آموزش فراشناخت بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در پژوهش‌ها تأیید شده است (آکسان^۶، ۲۰۰۹؛ باقریان و همکاران، ۱۳۹۸؛ افشاری، ۱۳۹۸). پژوهشگران نشان داده‌اند که با به کارگیری راهبردهای فراشناختی، دانش آموزان می‌توانند یاد بگیرند تا درباره فرآیندهای فکریشان تأمل کنند، آگاهی به دست آورند و روشهای خاصی را در خلال حل مسائل به کار برند که این امر منجر به یادگیری دقیقتر، کاملتر و پایدارتر می‌شود و نتایج سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش و پرورش جهت رشد و ترقی جامعه، مطلوبتر خواهد بود. همچنین آموزش راهبردهای فراشناخت باعث بهبود عملکرد در زمینه درک مطلب و سایر کنش‌های شناختی فرد می‌شود زیرا در راهبردهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر نگرش، فراشناخت و تفکر بیش از حافظه اهمیت دارد (بورچارد^۷، ۲۰۱۰). آموزش این راهبردها باعث می‌شود که فرد بتواند تمام کنش‌های درگیر در یک عمل شناختی از ابتدا تا انتها را تحت نظر بگیرد و جریان یادگیری خود را به گونه‌ای هدایت کند که بهره‌وری فرآیندهای ذهنی‌اش نسبت به زمان و مکان در دسترس افزایش یابد. این گونه آموزشها، ابزارهای مفیدی برای تعمیم یادگیری به موقعیت‌های مکانی و زمانی دیگر هستند (اسپراینگ^۸ و همکاران، ۲۰۰۴). هرچند این راهبردها قابل یادگیری هستند ولی بعضی از یادگیرندگان از عهده یادگیری آن بر نمی‌آیند و لازم است در این زمینه آموزش ببینند. هر قدر دامنه راهبردهایی که دانش آموزان به نحو مناسب به کار می‌گیرند گسترده باشد، موفقیت آنها در حل مسئله، خواندن، درک مطلب و به خاطر سپاری اطلاعات بیشتر خواهد شد (شاننون، ۲۰۰۸). با آموزش فراشناخت به دانش آموزان آنها یاد می‌گیرند تا به فرایند برقراری ارتباط خود با اطرافیان کنترل و نظارت داشته باشند، رفتارشان را ارزیابی کنند و هر وقت لازم شد فرایندها و راهبردهایی را جایگزین راهبردهای غلط قبلی خود کنند پس

^۱. Agrusa

^۲. Lyons-Wagner

^۳. Minnella

^۴. Shannon

^۵. Lambert Moica

^۶. Aksan

^۷. Burchard

^۸. Sperling

نامعقول به نظر نمی‌رسد که این آموزش در سازگاری افراد نقش تعیین کننده داشته باشد (هرندی^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). سن^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی آزمایشی ارتباط بین استفاده از راهبردهای فراشناختی و درک مطلب خواندن را مورد بررسی قرار داد. راهبردهای استفاده شده برای آموزش دانش آموزان در این تحقیق، پیدا کردن ایده ی اصلی متن و حدس زدن قسمت آخر متن بود. نتایج این تحقیق که بر روی دانش آموزان پایه ی پنجم ابتدایی انجام شد، نشان داد که آموزش راهبردهای فراشناختی در افزایش میزان درک مطلب دانش آموزان مؤثر است. فراشناخت به فرد کمک می کند تا تشخیص دهد در هر زمان، مناسبترین رفتار ممکن چیست که یکی از مهمترین پیش نیازهای سازگاری است. جهت رسیدن به سازگاری اجتماعی نیاز به دانش و آگاهی و رسیدن به بصیرت و استراتژی‌های فراشناختی می‌باشد که از طریق نظارت و کنترل و هدفمندی که همگی با آموزش کسب می‌شوند میسر است.

اثر بخشی آموزش حوزه‌های مختلفی از جمله آموزش فلسفه برای کودکان بر روی سازگاری و موفقیت تحصیلی در پژوهش‌ها انجام شده است. از جمله مومنی مهموئی و پرورش (۱۳۹۵) در پژوهش خود "تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان از طریق حلقه کند و کاو بر خلاقیت، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی درس علوم دانش آموزان پایه سوم ابتدایی" به این نتیجه رسیدن که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر افزایش سازگاری اجتماعی، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان موثر است. در خصوص اثر بخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته است. تریکی و تاپینگ^۳ (۲۰۰۴) در بازنگری انتقادی تحقیقات انجام شده درباره اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان از کشورهای مختلف، نتایج مثبتی را از تاثیر گذاری P&C بر مهارت های خواندن، استدلال، توانایی های شناختی و فراشناختی نشان داد. لیپمن در پژوهش خود نشان داد که گروه‌های آزمایشی که تحت برنامه آموزش فلسفه به کودکان سنین ۶ تا ۱۵ سال بودند نتایج معناداری نسبت به گروه گواه، در توانایی‌های استدلال به دست آوردند (کان^۴، ۱۹۸۴ به نقل از کمالی و نوشادی، ۱۳۹۶).

در دنیا در چند دهه اخیر فلسفه و آموزش فلسفه به کودکان، به عنوان روشی برای پرورش قوه فکر کودکان مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. ماتیو لیپمن^۵ بنیانگذار آموزش فلسفه به کودکان معتقد است که این برنامه بر اساس رهنمودهای جان دیویی^۶ و مربی روسی یگوتسکی^۷، شکل گرفته است که بر ضرورت تعلیم، تفکر و نفی آموزش صرف حفظ کردن تاکید می‌کردند. از نظر لیپمن از جمله اهداف عمده آموزش فلسفه به کودکان، بهبود توانایی تعقل، پرورش خلاقیت، رشد فردی، رشد میان فردی، پرورش درک اخلاقی، پرورش توانایی مفهوم یابی در تجربه، بررسی شقوق، بررسی بی طرفی، بررسی جامعیت... می‌باشد. برنامه آموزش فلسفه به کودکان هدف های روشنی دارد؛ وادار کردن ذهن به فعال شدن و عمل کردن یکی از این هدف هاست این کار با به چالش کشیدن امور بدیهی، فراگیری تفکر اصولی و تعامل ساختاری و اقدام به آن انجام می شود. این برنامه در عین حال هدف اجتماعی نیز دارد و آن آموزش فرایند تصمیم گیری دموکراتیک است (قاندی، ۱۳۸۳). در برنامه فلسفه برای کودکان، با هدایت معلم، داستان‌های فکری برای کودکان مطرح می‌شود. کودکان با پرسش‌های خود پیرامون داستان و درباره مسائل مطرح شده، به بحث و گفتگو می‌پردازند. داستان‌های فکری به آن دسته از داستان‌هایی اطلاق می‌شود که کودکان را تشویق می‌کنند تا سوال‌های خود را درباره عناوینی مانند ماهیت حقیقت، خوبی و زیبایی، انصاف و دوستی مطرح کنند، درباره تجربه خود پیرامون زمان و تغییر بحث کنند، و روابط و محیط را بررسی کنند. داستان‌ها کودکان را به پرسیدن، بررسی پیامدها و پیش فرضها، استفاده از ملاکها و کاوش نظرات گوناگون دعوت می‌کند. نویسندگان این مجموعه داستانها، فیلسوفان و تربیت کاران اصلی «فلسفه برای کودکان» از سراسر جهان هستند (کم^۸، ۱۳۷۹: ۷). هدف آنها این است که کودکان به انسان‌هایی متفکرتر، انعطاف پذیرتر، باملاحظه‌تر و منطقی‌تر تبدیل شوند.

^۱. Harandi

^۲. Sen

^۳. Trickey & Topping

^۴. Kane

^۵. Matthew Lipman

^۶. Dewey

^۷. Wittgenstein

^۸. Cam

همان‌طور که گفته شد، یکی از ابزارهای مناسب در این زمینه داستان است که به کمک روش اجتماع پژوهشی سعی بر افزایش سطح تفکر و استدلال در کودکان دارد. یکی از مؤلفه‌های اصلی برنامه فلسفه برای کودکان، شکل کلاس و نحوه هدایت آن یعنی کلاس‌داری است. شیوه به کار گرفته شده در این برنامه، «اجتماع پژوهش» نام دارد. برای این که محور آموزش و پرورش، پژوهش و تحقیق باشد لازم است که کلاسهای درس تبدیل به حلقه‌های کندوکاو یا اجتماع پژوهشی شوند که در آن از رابطه دوستی و همکاری جهت مشارکت مثبت در فضای آموزشی استقبال می‌شود. اجتماع پژوهشی نقش مهمی در آموزش بیشتر درباره ماهیت هیجان‌ها دارد. در این اجتماع، تمام ابعاد عاطفی کار فلسفی، در ارتباط کامل با فرآیند شناختی قرار دارند، به‌طوریکه کودکان حیرت، کنجکاوی، لذت توافقی یا ناامیدی ناشی از عدم توافق، سردرگمی، ابهام، تنازع و دلسردی را تجربه می‌کنند و می‌آموزند که چگونه بر هیجان، ناامیدی و خجالت خود مسلط شوند. این احساسات در موقعیت‌های فکری و روانی رخ می‌دهند؛ موقعیت‌ها و شرایطی که خود و جوه مشخصه‌ای از فرآیند کاوشگری فلسفی است. به‌علاوه، کودکان در مورد مطالبی صحبت می‌کنند که واقعا برایشان اهمیت دارد. محتوای گفت و گوها نیز می‌تواند باعث تحریک حالات عاطفی گوناگون شود (هاینز^۱، ۲۰۰۲). در اجتماع پژوهشی، معلم و دانش‌آموزان یک داستان را به اتفاق هم می‌خوانند (صفایی مقدم، مرعشی، پاک سرشت، باقری و سیاسی، ۱۳۸۵). این داستانها، نمونه‌هایی از گفت و گوهای منطقی و اندیشمندانه در میان کودکان را نشان می‌دهد (فیشر^۲، ۱۳۸۵). در این اجتماع نقش معلم به کلی با سیستم آموزشی رایج متفاوت است و معلم دیگر نقش حاکم مطلق در کلاس را ندارد. شکل کلاسها نیز به کلی با توجه به هدف این برنامه تغییر می‌کند و به صورت حلقه‌ی کندوکاو یا جمع تحقیق در می‌آید که در آن کودکان در پی کشف حقایق مناسب خودشان، همیشه در حال کندوکاو مشترک هستند (ناجی، ۱۳۸۳). نحوه‌ی اجرای این برنامه بدین گونه است که شاگردان کلاسهای سطوح مختلف، همراه معلمان‌شان حلقه‌وار دور هم می‌نشینند. کلاس با قرائت بخشی از داستان آغاز می‌شود. دانش‌آموزان با صدای بلند آن را می‌خوانند. بچه‌ها به این داستان‌ها گوش می‌دهند و قادرند رو در روی هم با یکدیگر به مباحثه بپردازند (ناجی، ۱۳۸۳).

یکی از عواملی که تاثیر بسزایی در سازگاری اجتماعی دارد تفکر صحیح است. تغییر در شناخت افراد، در مدیریت احساسات، رفتار آن‌ها و عملکرد اجتماعی‌شان موثر است. (صفا حمیدی و دیگران، ۱۳۹۶). آموزش فلسفه به کودکان مهارت‌های تفکر را در آن‌ها پرورش می‌دهد. وقتی کودکان یاد می‌گیرند فرایند تفکر خود سازمان دهی کنند این امر همزمان می‌تواند بر عملکرد تحصیلی و سازگاری اجتماعی آنها اثر بگذارد.

با توجه به این که دانش‌آموزان طلاق با عوامل استرس‌زای زیادی مواجه هستند، با مشکلات جسمانی و روانشناختی بیشتری نسبت به هم‌تایان عادی خود روبرو هستند. بنابراین، آموزش مهارت‌های فراشناختی و آموزش فلسفه به کودکان که مهارت‌های تفکر کودکان را پرورش می‌دهد به عنوان پشتوانه‌ای در برخورد با رویدادهای استرس‌زا عمل می‌کند و باعث می‌شود که دانش‌آموزان طلاق با توجه به مشکلاتی که دارند، دید منفی به خود و زندگی‌شان نداشته باشند و در میان این سختیها در جست‌وجوی معنای جدید باشند و بهتر بتوانند با شرایط استرس‌زای زندگی که گاهی با دلسردی و ناامیدی همراه است، کنار بیایند و در نتیجه از لحاظ روانی در وضعیت سالم‌تری قرار بگیرند. در کلاس فلسفه برای کودکان، آنها می‌آموزند که چگونه بر هیجان، ناامیدی و خجالت خود مسلط شوند. این باعث می‌شود در صورت مواجهه با عوامل ناراحت‌کننده، بهتر بتوانند با واقعیت کنار بیایند. با توجه به اینکه در تحقیقات انجام شده در ارتباط با پژوهش مورد نظر پژوهشهای مداخله‌ای کمتری صورت گرفته است علاوه بر این به صورت همزمان به تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان و راهبردهای فراشناختی بر رشد مهارت‌های سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طلاق پرداخته نشده، این مسائل، محقق را بر آن داشته تا به فرضیه‌های اساسی از جمله تاثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان و راهبردهای فراشناختی به صورت مداخله‌ای بر رشد مهارت‌های سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طلاق پاسخ دهد. در واقع اساسی‌ترین وجهی که انجام این پژوهش را ضروری می‌سازد، لزوم افزایش سازگاری اجتماعی و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طلاق با توجه به اثرات پایدار آن در جنبه‌های اجتماعی، تحصیلی این دانش‌آموزان است.

^۱. Community of Inquiry

^۲. Haynes

^۳. Fisher

بنابراین این پژوهش به دنبال این سؤال است که آیا اجرای برنامه فلسفه برای کودکان و راهبردهای فراشناختی بر رشد مهارت‌های سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طلاق تأثیر دارد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، از نوع شبه آزمایشی است که از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کودکان طلاق مقطع ابتدایی شهر ملک آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند. که از میان مدارس ابتدایی این شهر، مدرسه مهدیه به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شد. از میان کودکان طلاق این مدرسه نمونه‌ای به تعداد ۳۰ نفر انتخاب شدند که به صورت تصادفی ۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل گمارده شدند. پس از مشخص شدن گروه آزمایش و کنترل، گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه (هر هفته دو جلسه) و هر جلسه یک ساعت در معرض آموزش ترکیبی آموزش فلسفه برای کودکان و آموزش مهارت‌های فراشناختی به روش داستان قرار گرفت. بدین ترتیب جلسات آموزشی با استفاده از مجموعه سه جلدی (داستان‌های فکری) (فیلیپ کم، ۱۹۹۴؛ ترجمه شهرتاش و ابراهیمی، ۱۳۸۵) و بسته آموزشی مهارت‌های فراشناختی پینترپچ که شامل برنامه ریزی و کنترل و نظارت و نظم دهی است برگزار شد و در نهایت پس‌آزمون بر روی هر دو گروه به اجرا درآمد. در تحقیق حاضر برای گردآوری داده‌ها از دو ابزار استاندارد به شرح زیر استفاده شده است.

پرسشنامه عملکرد تحصیلی^۱ در تاج (۱۳۸۳): به منظور اندازه‌گیری عملکرد تحصیلی از پرسشنامه عملکرد تحصیلی در تاج (۱۳۸۳) استفاده شد. این پرسشنامه اقباسی است از پژوهش‌های فام و تیلور (۱۹۹۹) که توسط در تاج برای جامعه ایرانی ساخت و اعتباریابی شده است. پرسشنامه عملکرد تحصیلی قادر است با ۴۷ گویه پنج حوزه عملکرد تحصیلی شامل خودکارآمدی^۲، برنامه ریزی^۳، تأثیرات هیجانی^۴، فقدان کنترل پیامد^۵ و انگیزش^۶ را روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت بسنجد. در مطالعه در تاج (۱۳۸۳) روایی محتوا با استفاده از جدول محتوا و هدف و نظر اساتید مورد تأیید قرار گرفت. برای ارزیابی روایی سازه از روش تحلیل عاملی استفاده شده بود که مؤید وجود پنج عامل بود. ضریب آلفای کرونباخ جهت محاسبه پایایی پرسشنامه برای ابعاد خودکارآمدی، برنامه‌ریزی، تأثیرات هیجانی، فقدان کنترل پیامد و انگیزش به ترتیب برابر ۰/۹۲، ۰/۷۳، ۰/۹۳، ۰/۶۴، ۰/۷۳ و برای نمره کل مقیاس ۰/۷۴ محاسبه شد. پایایی پرسشنامه طی پژوهش‌های متعدد (قلتاش و همکاران، ۱۳۸۹؛ کریمی و فرحبخش، ۱۳۹۰؛ به نقل از قاسم تبار، فیاض، حسینی، ۱۳۹۵) مورد سنجش قرار گرفته است. این پژوهش‌ها ضریب آلفای کرونباخ را برای نمره کل مقیاس بین ۰/۷۴ و ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. همسانی درونی این پرسشنامه در مطالعه حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۹۱ بدست آمده است.

آزمون شخصیت کالیفرنیا^۷: این آزمون نیم‌رخ سازگاری فردی و اجتماعی فرد را اندازه‌گیری می‌کند و توسط ثورپ، کلارک و تیکز^۸ در سال ۱۹۳۹ (به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۱) برای اولین بار منتشر شد و در سال ۱۹۵۳ مورد تجدید نظر و بازنگری قرار گرفت. این آزمون دارای دو آزمون عمده‌ی سازگاری شخصی^۹ و سازگاری اجتماعی^{۱۰} است. در این پژوهش فقط بخش سازگاری اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. این بخش از پرسشنامه دارای شش مقیاس فرعی است که عبارتند از:

^۱ . Educational Performance Test

^۲ . Self-Efficacy

^۳ . Planning

^۴ . Emotional Effects

^۵ . Lack of Output Control

^۶ . Motivation

^۷ . California Test Personality

^۸ . Thorpe, Clarck & Tiegs

^۹ . self adjustment

^{۱۰} . social adjustment

قالب‌های اجتماعی^۱، مهارت‌های اجتماعی^۲، علایق ضداجتماعی^۳، روابط مدرسه‌ای^۴، روابط خانوادگی^۵ و روابط اجتماعی^۶ است هر یک پانزده سؤال دارد. این فرم آزمون نیمرخ اجتماعی فرد را اندازه‌گیری می‌کند و نمره سازگاری اجتماعی کلی از نمره‌های مقیاس‌های فرعی به دست می‌آید. هماهنگی درونی پرسشنامه به وسیله دو نیمه کردن آزمون با روش اسپیرمن برای خرده آزمون‌های سازگاری اجتماعی از ۰/۸۷ تا ۰/۹۰ گزارش شده است که نشان می‌دهد تمام سوالات شش زیر مقیاس از انسجام درونی مناسبی برخوردارند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۱). همچنین اعتبار و پایایی برای مقیاس سازگاری اجتماعی در حدود ۰/۸۷ تا ۰/۹۳ گزارش شده است این ضریب برای مقیاس‌های فرعی آزمون در دامنه ۰/۶۰ تا ۰/۸۷ و برای کل آزمون ۰/۹۳ قرار دارد (توزنده جانی و همکاران، ۱۳۸۶). در این پژوهش نیز با اجرای آزمون بر روی ۱۵ دانش آموز، با محاسبه روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ضریب پایایی ۰/۸۵ به دست آمد.

جدول ۱. جلسات مداخله آموزش فلسفه برای کودکان و آموزش مهارت های فراشناختی

جلسه	اهداف
جلسه اول	اجرای پیش‌آزمون، آشنایی اعضا با همدیگر، آشنایی اعضا با ساختار کلی جلسات
جلسه دوم	ارائه داستان خانه‌ی تو یا من - بحث در مورد اعتماد، طرح سوالات مختلف و بحث در مورد داستان
جلسه سوم	ارائه داستان گابریل - احساس بدی به خود داشتن، بحث در مورد عزت نفس و اعتماد به نفس، قواعد و مالکها، افراد خوب و هنر خوب و انجام تمرین
جلسه چهارم	بیان داستان اکوسیسترها - بحث در مورد دیدگاه‌های گوناگون. بحث و گفت و گو در مورد تعارض حقوق
جلسه پنجم	بیان داستان لیندا و کلا را - با بیان ایده‌های چرا گریه می‌کنیم؟ احساسات میان دوستان، تمرین تضاد، تمرین امور عادی (بهنجار) و سایر معیارها
جلسه ششم	بیان داستان لانه پرنده - با بیان ایده‌های چگونه به نظر می‌رسیم، اختلاف نظر، موافقت رعایت احساسات دیگران، دست انداختن، مقایسه اعمال...
	شبی زیر ستارگان ایده‌های دوستی، از دست دادن، تنها بودن و ترسیدن.
جلسه هفتم	در این جلسه دانش‌آموزان با راهبردهای نظارت و ارزشیابی از زیرمجموعه راهبردهای فراشناختی شامل نظارت بر توجه و طرح سؤال در زمان مطالعه آشنا شدند. هدف استفاده از این راهبردها آگاهی یافتن فراگیر از چگونگی پیشرفت خود و زیر نظر گرفتن و هدایت آن، نظارت بر سرعت و سازگاری با زمان در دسترس، طرح سوال در ضمن مطالعه و کنترل زمان و سرعت مطالعه است.
جلسه هشتم	در این جلسه دانش‌آموزان با راهبردهای برنامه‌ریزی از زیرمجموعه راهبردهای فراشناختی شامل تعیین هدف مطالعه، پیش‌بینی زمان لازم برای مطالعه، تعیین سرعت مطالعه و انتخاب راهبردهای شناختی مناسب آشنا شدند.
جلسه نهم	آموزش راهبردهای نظم آموزش و تمرین دادن در مورد - تعدیل سرعت مطالعه - اصلاح یا تغییر راهبرد شناختی (اصلاح روش‌ها و تکنیک مطالعه) - روش‌های پاسخگویی به سوالات امتحانی و آماده شدن برای امتحان
جلسه دهم	مرور کل راهبردهای فراشناختی انجام تمرین

یافته‌های پژوهش

در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمون سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در گروه‌های آزمایش و کنترل نشان داده شده است. همانطور که مشخص است میانگین نمرات سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی گروه کنترل در هر دو

۱. social standard
۲. social skills
۳. anti - social tendecie
۴. school relation
۵. family relations
۶. community relation

حالت پیش آزمون و پس آزمون تقریباً یکسان است و تفاوت قابل توجهی دیده نمی‌شود اما میانگین نمرات سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در گروه آزمایشی در پس آزمون بیشتر از پیش آزمون است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در پیش آزمون و پس آزمون

گروه شاخص	آزمون	تعداد	گروه آزمایشی		گروه کنترل	
			SD	M	SD	M
سازگاری اجتماعی	پیش-آزمون	۱۵	۱۶.۷	۴.۳۰	۱۶.۴۰	۴.۱۰
	پس آزمون	۱۵	۱۹.۹۰	۴.۲۰	۱۶.۸۰	۴.۵۰
عملکرد تحصیلی	پیش-آزمون	۱۵	۲۱.۷۵	۵.۰۴	۲۰.۹۵	۵.۲۹
	پس آزمون	۱۵	۳۳.۲۴	۵.۳۹	۲۱.۳۳	۵.۶۸

استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مستلزم برخی پیش فرضهای آماری است. این پیش فرضها شامل توزیع نرمال نمرات متغیرهای وابسته، همسانی واریانس‌های متغیر وابسته، همگنی شیب رگرسیون می‌باشد. این مفروضه‌ها در پژوهش حاضر رعایت شد. ابتدا جهت بررسی نرمال بودن از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳. نتایج آزمون کومولوگروف-اسمیرنوف

متغیر	آماره اسمیرنوف	کومولوگروف-درجه آزادی	احتمال معناداری
سازگاری اجتماعی	۰/۱۱۰	۳۰	۰/۱۸۵
عملکرد تحصیلی	۰/۱۰۷	۳۰	۰/۲۵۹

همانطور که در جدول ۳ مشخص است، مقدار احتمال معناداری متغیرها از سطح معناداری آزمون (۰/۰۵) بزرگتر می‌باشد، در نتیجه فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق پذیرفته است.

از دیگر مفروضه‌های مهم تحلیل کوواریانس، همگنی ضرایب رگرسیون است که نتایج این تحلیل در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. نتیجه آزمون همگنی ضرایب رگرسیون

تعامل	F	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش آزمون سازگاری اجتماعی و متغیر مستقل	۱/۵۰	۱	۰/۲۵
پیش آزمون عملکرد تحصیلی و متغیر مستقل	۱/۳۴	۱	۰/۲۳۷

آزمون همگنی ضرایب رگرسیون از طریق تعامل پیش آزمون برای متغیر (سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی) و متغیر مستقل (آموزش فلسفه به کودکان و راهبردهای فراشناخت) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد تعامل پیش آزمون با متغیر مستقل متغیر معنادار نمی‌باشد ($p > 0/05$) و لذا حاکی از همگنی ضرایب رگرسیون می‌باشد.

برای بررسی پیش فرض همگنی واریانس‌ها، نخست از آزمون لون استفاده شد.

جدول ۵. نتیجه آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس‌ها

متغیر	df	df ^۲	F	p
سازگاری اجتماعی	۱	۲۸	۲/۱۷۱	۰/۷۰۴
عملکرد تحصیلی	۱	۲۸	۱/۶۵	۰/۱۷

همانطور که در جدول ۵ مشخص است تساوی واریانس ها از لحاظ آماری معنی دار نبود ($p > 0/05$) بنابراین این پیش فرض رعایت شده است. با توجه به معنادار نبودن نتایج، واریانس های دو گروه آزمایش و گواه یکسان است. بنابراین، داده ها از پیش فرض لازم همگنی واریانسها برخوردار بوده و می توان عملیات آماری بعدی را انجام داد.

جدول ۶: نتایج حاصل از تحلیل کواریانس بر روی میانگین نمره های پس آزمون سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در گروه آزمایش و گواه

متغیر	شاخص های آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معنی داری
سازگاری اجتماعی	گروه	۱۸۹۸/۰۳۲	۱	۱۸۹۸/۰۳۲	۷۱/۳	۰/۰۰۱
	خطا	۱۹۹۰/۹۶۰	۲۸	۲۲/۵۶	-	-
	کل	۶۳۹۸۶/۶۷	۲۹	-	-	-
عملکرد تحصیلی	گروه	۲۳/۱۱	۱	۲۳/۱۱	۱۰/۱۹	۰/۰۰۱
	خطا	۸۷/۹۸	۲۸	۲/۶۸	-	-
	کل	۲۹۸۶/۰۸	۲۹	-	-	-

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می شود، تفاوت بین آزمودنی های گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ متغیر سازگاری اجتماعی با مقادیر ($f = 71/3$) و عملکرد تحصیلی با مقادیر ($f = 10/19$) در سطح $p < 0/001$ معنادار است. بنابراین می توان گفت اجرای برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و مهارت های فراشناخت باعث افزایش سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان تلاق در مرحله پس آزمون شده است.

بحث و نتیجه گیری

بروز افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزهکاری و کجروی های اجتماعی، ازدواج زودرس، ضعف اعتماد بنفس، اعتیاد، فقر، احساس درماندگی و سرخوردگی، تجربه احساس حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط امن و عاطفی خانودگی از جمله پیامدهای مخرب و ناخوشایند طلاق در کودکان و نوجوانان است. بنابراین، مهم است که برای کاهش آسیب های اجتماعی در این طیف از کودکان و افزایش سازگاری اجتماعی و همچنین کمک به آنها در جهت بهبود عملکرد تحصیلی مهارت های لازم را به منظور برخورد شایسته و کارآمد با مسائل و مشکلات پیش رو آموزش داد تا بتوانند زندگی موفق و تجربیات مسرت آمیزی داشته باشند. در این راستا هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت های فراشناخت بر افزایش سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان تلاق بود. نتایج نشان داد که بین دانش آموزان گروه کنترل و آزمایش از لحاظ سازگاری اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارتی دیگر، با اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان و مهارت های فراشناخت، توانایی سازگاری اجتماعی دانش آموزان در مرحله پس آزمون به طور معناداری افزایش می یابد. این یافته با یافته های فرحبخش و همکاران (۱۳۹۸)، باقریان، نادری و اصغری گنجی (۱۳۹۸)، مطالعه شفیع و میر مهدی، (۱۳۹۹) و افشاری (۱۳۹۸) همسو است. سازگاری اجتماعی رفتارهای انطباقی یاد گرفته شده ای است که فرد را قادر می سازد تا با افراد دیگر روابط متقابل داشته و از خود پاسخ های مثبت بروز دهد. با آموزش فراشناخت به دانش آموزان آنها یاد می گیرند تا به فرایند برقراری ارتباط خود با اطرافیان کنترل و نظارت داشته باشند، رفتارشان را ارزیابی کنند و هر وقت لازم شد فرایندها و راهبردهایی را جایگزین راهبردهای غلط قبلی خود کنند پس نامعقول به نظر نمی رسد که این آموزش در سازگاری افراد نقش تعیین کننده داشته باشند. در تبیین این یافته می توان گفت، با توجه به اینکه دانش آموزان تلاق به خاطر جدایی والدین و فشارهای درسی و تحصیلی موقعیت های استرسزا بیشتر دارند بنابراین بالا بردن توانمندی سازگاری اجتماعی آنها در دوران تحصیل اهمیت زیادی دارد. یکی از عواملی که تأثیر بسزایی در سازگاری اجتماعی دارد تفکر صحیح است. آموزش فلسفه به کودکان مهارت های تفکر را در آن ها پرورش می دهد. وقتی کودکان یاد می گیرند فرایند تفکر خود سازمان دهی کنند این امر همزمان می تواند بر عملکرد تحصیلی و سازگاری اجتماعی آنها اثر بگذارد. با توجه به این که دانش آموزان تلاق با مشکلات جسمانی و روانشناختی بیشتری نسبت به هم تایان عادی خود روبرو هستند. بنابراین، آموزش مهارت های فراشناختی و آموزش فلسفه به کودکان که مهارت های تفکر کودکان را پرورش می دهد می تواند به عنوان پشتوانه ای در برخورد با رویدادهای استرس زا عمل کند و باعث

شود که دانش آموزان طلاق با توجه به مشکلاتی که دارند، دید منفی به خود و زندگی شان نداشته باشند و در میان این سختی‌ها در جست و جوی معنای جدید باشند و بهتر بتوانند با شرایط استرس‌زای زندگی که گاهی با دل‌سردی و ناامیدی همراه است، کنار بیایند و در نتیجه از لحاظ روانی در وضعیت سالم‌تری قرار بگیرند. در کلاس فلسفه برای کودکان، آنها می‌آموزند که چگونه بر هیجان، ناامیدی و خجالت خود مسلط شوند. این باعث می‌شود در صورت مواجهه با عوامل ناراحت‌کننده، بهتر بتوانند با واقعیت کنار بیایند.

همچنین نتایج نشان داد که بین دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و گروه کنترل، از لحاظ عملکرد تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر مولفه‌ی عملکرد تحصیلی گروه آزمایش بعد از آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت‌های فراشناخت متفاوت بود. بدین معنی که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طلاق گروه آزمایش، بعد از آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت‌های فراشناخت بهبود یافته است. این یافته‌ها با یافته‌های سن (۲۰۱۲) هرنیدی و همکاران (۲۰۱۳) شاننون (۲۰۰۸) همسو است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، فرق بین افراد به طور کلی و تفاوت بین دانش‌آموزان به طور خاص، همیشه در شناخت متفاوت آنها یعنی در فرایندهایی چون حافظه، درک مفاهیم، خواندن و نوشتن، حل مسئله و ... نیست، بلکه در راهبردهای فراشناختی آنها است. در تایید این مطالب می‌توان به پژوهش پینتریچ (۲۰۰۰) اشاره کرد که بیان کرد که فراگیران خودتنظیم با یک کارآموزی، کارشان را شروع می‌کنند، به ارزیابی کار می‌پردازند، هدف را تعیین می‌کنند، راهکارهایی را برای دستیابی به هدف مشخص می‌کنند و به پیشرفت‌شان برای دستیابی به هدف نظارت می‌کنند، راهبردها را ارزیابی می‌کنند و بر اساس اطلاعات به دست آمده از بازخوردهای درونی و بیرونی کار را دوباره بازبینی می‌کنند. دانش‌آموزان گروه آزمایش یاد می‌گیرند که برای آموختن چه کاری باید انجام دهند و نیاز به چه مهارت‌هایی دارند. زمانی که این دانش‌آموزان با فراگیری مهارت‌ها و فنون مطالعه در یادگیری موفق شوند از این راه رضایت خاطر ایجاد می‌شود و در نهایت منجر به بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود.

در تبیین دیگر باید بیان داشت دانش‌آموزان گروه آزمایش در طی دوره آموزش فراشناختی یاد می‌گیرند که چه میزان از مطالب را به طور کامل یاد گرفته‌اند و چه میزان از تکالیف درسی را بدون اشتباه انجام داده‌اند. همین طور می‌دانند برای انجام دادن یک تکلیف معین درسی به چه اطلاعاتی نیازمند هستند و یا از چه راه‌هایی برای حل مسئله استفاده کنند. همچنین این دانش‌آموز در طی مراحل آموزش فراشناخت از میزان پیشرفت خود می‌تواند ارزیابی دقیقی داشته باشد و در پی رفع نقایص و کاستی‌هایی برآید که منجر به عدم موفقیت وی می‌شود در مرحله فراشناختی هم از راهبردهای شناختی ارزیابی به عمل می‌آورد به عنوان نمونه میزان موفقیت خود را تخمین می‌زند و یا برآورد می‌کند زمانی که از این برآورد احساس رضایت کند در نتیجه انگیزه بیشتری برای مطالعه و تلاش از خود نشان خواهد داد و عملکرد تحصیلی در آنها بالا می‌رود.

به طور کلی میتوان چنین نتیجه گرفت آنچه در رشد فکری کودکان مؤثر است خارج از حد و شمارش می‌باشد. تفاوت‌های فردی، نیازها و خواسته‌های متفاوت، عوامل ژنتیکی، محیط آموزشی و عوامل بشمار دیگر. ولی با وجود همه اینها صاحب نظران در تأثیر برخی عوامل اتفاق نظر دارند. آنان معتقدند کودک امروز برای یادگیری، تنها به شنیدن و دریافت اطلاعات از سوی بزرگسال اکتفا نمی‌کند و از پند و نصیحت و هر آموزه‌ی اخلاقی مستقیمی، به شدت گریزان است. بنابراین باید با پرورش قدرت تفکر و تمیز، از سنین کودکی او را به گونه‌ای پرورش داد که بتواند مهارت‌های لازم را در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود داشته باشد (پارساپور و صدیقی -زاده، ۱۳۹۲). بنابراین، هدف عمده‌ی آموزش باید وادار کردن یادگیرندگان به تفکر باشد. در واقع یکی از اهداف اصلی تعلیم و تربیت، پرورش شیوه‌ی تفکر در افراد است (مایزر، ۱۳۸۶). آموزش فلسفه برای کودکان روشی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است در برنامه آموزش فلسفه به کودکان، دانش‌آموزان قادر می‌شوند تا بین موضوعات مختلفی که می‌آموزند، ارتباط برقرار کنند. بنابراین برنامه درسی برای آنان پر معناتر خواهد شد و هم مهارت‌های همکاری و هم مهارت‌های تفکر که در این برنامه رشد و پرورش می‌یابند، سبب بهبود ارتباطات و مسئولیت -پذیری اجتماعی بیشتر می‌گردد. در واقع با شرکت کودکان در جستجویی برای معنا و بسط و توسعه‌ی قوای ادراکی و فهم آنها از مطالب، قدرت تفکر استدلالی و انتزاعی در آنان افزایش یافته و سبب ارتقای عزت نفس و ارزش -های اخلاقی آنها می‌گردد (فیش، ۲۰۰۱). طبق نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود به منظور آموزش و اصلاح فرآیند تفکر در کودکان، تغییر کلی در روش کار معلم و انتظارات نظام آموزشی از دانش‌آموزان صورت گیرد. در برنامه درسی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی درس و فرصتی خاص برای فلسفیدن، تفکر و اندیشه‌ورزی

در نظر گرفته شود تا دانش آموزان فارغ از موضوع کسب دانش، تمرین تفکر کنند و در نهایت نظام ذهنی خویش را سامان داده و نگاه نقادانه به پدیده‌های اطراف خویش پیدا کنند و کمتر اسیر باورهای غیرمنطقی و باورهای فراشناختی منفی گردند، همچنین پیشنهاد می‌شود به معلمان آموزش داده شود تا مطالب علمی دروس مختلف را با دیدی فلسفی و با روش فلسفی به بحث بگذارند. هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر مقطعی بودن آن و عدم وجود مرحله پیگیری و در نتیجه در دست نبودن اطلاعاتی از اینکه آیا این تغییرات و نتایج تداوم یافته است یا خیر. این پژوهش در دانش آموزان ابتدایی شهر ملک انجام گرفته لذا جهت تعمیم نتایج آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

منابع

- افشاری، علی (۱۳۹۸). اثربخشی راهبردهای فراشناختی بر بهبود عملکرد تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان با مشکل افت تحصیلی. *نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۱۲، شماره ۵.
- باقریان، شعبانعلی؛ نادری، حبیب‌الله و گنجی، عسگری اصغری (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش سبکهای شناختی و فراشناختی بر یادگیری، خودکارآمدی اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانشجویان. *نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۱۲، شماره ۵.
- پارساپور، زهرا؛ و صدریزاده، نگین (۱۳۹۲). *بررسی آموزش مهارت تفکر انتقادی در ادبیات داستانی کودکان*. کتاب ماه کودک و نوجوان
- پارسامهر، مهربان و حدت، الهه (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان. *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۱۱(۲)، ۶۵-۹۴
- توزنده جانی، حسن؛ صدیقی، کاظم؛ نجات، حمید و کمال پور، نسرين (۱۳۸۶). اثربخشی نسبی آموزش های شناختی- رفتاری عزت نفس بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*. شماره شانزدهم صص ۵۶-۴۱
- خدایاری فرد، محمد؛ نصفت، مرتضی؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن و به پژوه، احمد (۱۳۸۱). عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و غیرجانباز شهر تهران. *گزارش نهایی طرح پژوهشی زیر نظر بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی*.
- درتاج، فریبرز (۱۳۸۳). بررسی تأثیر شبیه سازی ذهنی فرایندی و فرآوردهای بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان، ساخت و اعتباریابی آزمون عملکرد تحصیلی. *رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی*.
- سعادت، نادره؛ رستمی، مهدی و دربانی، سید علی (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر تعهد و درمان متمرکز بر شفقت در تقویت عزت نفس و سازگاری پس از طلاق. *فصلنامه روان شناسی خانواده*، ۳(۲) ۴۵-۵۸.
- شفیعی، حسن و میر مهدی، سید رضا (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر استدلال اخلاقی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. *پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور*. مرکز گلپایگان.
- صفا رحمدی، الناز؛ حسینیان، سیمین؛ زندی پور، طیبه (۱۳۹۶). تاثیر آموزش مثبت اندیشی بر ادراک شایستگی و مهارت های اجتماعی کودکان بی سرپرست و بد سرپرست. *سلامت روان کودک (روان کودک)*، ۴(۱)، ۲۳-۱۳
- صفایی مقدم، مسعود؛ مرعشی، سید منصور؛ پاک سرشت، محمدجعفر؛ باقری، خسرو و سیاسی، حسین (۱۳۸۵). بررسی تأثیر اجتماع پژوهی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳(۲)، ۳۱-۵۴.
- فرحبخش، کیومرث؛ فرخی، نور علی و شجاعی میبدی ریحانه (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش راهبردهای فراشناخت بر تقویت انگیزه‌ی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر پایه اول مقطع متوسطه شهر میبد. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبایی.
- فیشر، رابرت (۱۳۸۵). *آموزش تفکر به کودکان*. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: رسش
- قاسم تبار سید نبی الله؛ فیاض، ایراندخت و حسینی، محبوبه (۱۳۹۵). پیش‌بینی انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از طریق خودکارآمدی و راهبردهای شناختی و فراشناختی یادگیری. *فصلنامه مطالعات دبستان پیش و دبستان*. دانشگاه علامه طباطبائی. سال دوم شماره ۶، صص ۱۰۷ تا ۱۲۳.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۳). «آموزش فلسفه به کودکان»؛ بررسی مبانی نظری و تهران. انتشارات دواوین.
- قمری، محمد و فکور، احسان (۱۳۸۹). مقایسه شیوه های مقابله با استرس و بهداشت روان و رابطه این متغیرها در بین دانش‌آموزان طلاق و غیر طلاق. *نشریه علوم رفتاری*، ۲(۴)، ۱۱۹-۱۳۲.
- کم، فیلیپ (۱۳۷۹). *داستانهای فکری*، ترجمه احسانه باقری، جلد ۱. تهران. انتشارات امیر کبیر.
- کم، فیلیپ (۱۹۹۴). *داستانهای فکری (۱ و ۲)*، ترجمه: فرزانه شهرتاش و مژگان رشتچی (۱۳۸۵). تهران: شهرتاش
- کم، فیلیپ (۱۹۹۴). *داستانهای فکری (۳)*، ترجمه: فرزانه شهرتاش و نسرين ابراهیمی لویه (۱۳۸۵). تهران: شهرتاش.

کمالی مطلق، طاهره و نوشادی ناصر (۱۳۹۶). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر سطح پرسشگری دانش آموزان دوره ابتدایی، مجله تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۸، شماره ۱، بهار و تابستان.

مایرز، پت (۱۳۸۶). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ایلی. تهران: سمت.

منصوری، بهمن و حسینی فر، جعفر (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش هوش معنوی بر سازگاری اجتماعی، ناگویی خلقی و خودشناسی انسجامی در دانش آموزان طلاق. مجله روانشناسی مدرسه. دوره ۹ شماره ۳-۲۵۸۳-۲۳۴

مهدوی، عابد؛ گلستانی، علیرضا؛ آقائی، مریم؛ همتی راد، گیتی؛ حاج حسینی، منصوره؛ لواسانی، مسعود غلامعلی سپهر یگانه، شهربانو و قربانی نیا، فاطمه سادات (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق. فصلنامه مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره ۳۳

مؤمنی مهموئی، حسین و پرورش، عفت (۱۳۹۵). تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان از طریق حلقه کند و کاو بر خلاقیت، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی درس علوم دانش آموزان پایه سوم ابتدایی. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه تربیتی. سال یازدهم، شماره ۴۷ ص ۱۵۰-۱۳۱.

ناجی، سعید. (۱۳۸۳) مفهوم فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان. نامه علم و دین، ۲۸ (۲۵)، ۳۷-۶۷.

یحیی زاده، حسین و حامد، محبوبه (۱۳۹۴) مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فرا تحلیل مداخلات موجود. فصلنامه مداخلات زن و خانواده، ص ۹۱-۱۲۰

یعقوبی، کژال؛ سهرابی، فرامرز و مفیدی، فرخنده (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی. فصلنامه مطالعات روان شناختی ۹۷.

Agrusa, E. D. (۲۰۱۰). Exploring the relationship of learning strategies and Transformational leadership for business managers (Doctoral dissertation, University of Southern California).

Aksan, N. (۲۰۰۹). A descriptive study: Epistemological beliefs and self-regulated learning. *Journal of Procedia and Behavioral Sciences*, ۱, ۸۹۶-۹۰۹.

Beryy, L., Stoyles, R., Donovan, M. (۲۰۱۰). Post separation parenting education in a family relationship centre: a pilot study exploring the impact on perceived parent-child relationship and acrimony. *Journal of Family Stadise*, ۱۶(۲), ۲۲۴-۲۳۶.

Burchard, S. M. (۲۰۱۰) Long-Term Metacognitive Effects of a Strategic Learning Course for Postsecondary Students With and Without Disabilities. Doctoral Dissertation, George Mason University.

Courtwhigh, D. T. (۲۰۰۸) Gender imbalances in historg: Causes, Consequences and Social adjustment. *Reproductivi Biomedicine Onlin*. ۱۶(۱), ۳۲-۴۰.

Fisher, R. (۲۰۰۱). Philosophy in Perimery Schools. Fostering thinking skills and literacy. *Reading, literacy and language*, ۳۵(۲); ۶۷-۷۳.

Harandi, V., Eslami Sharbabaki, H., Ahmadi Deh M., & Darehkordi, A. (۲۰۱۳) The Effect of Metacognitive Strategy Training on Social Skills and Problem - Solving Performance. *J Psychol Psychother*; ۳: ۱۲۱.

Haynes, A. (۲۰۰۲). children as philosopher, London and New York: Routledge Flamer.

Johnson, V. I. (۲۰۱۰). adult children of divorce and relationship education: implication for counselors and counselor educators. *The Family Journal*, ۱۹(۱), ۲۲-۲۹.

Lambert Moica, A. (۲۰۰۰) Tips for taching: Using cognitive and Metacognition Learning Statgies.

Logan, T. K., & Walker, R. (۲۰۱۱). Social exclusion, personal control, selfregulation, and stress among substance Abuse Treatment clients. *Drug and Alcohol Dependence*. ۱۱۳: ۱۳- ۲۰.

Lyons-Wagner, E.C. (۲۰۱۰) The effects of a self-regulation learningstrategies instructional program on middle-school students' use of learning strategies and study tools, selfefficacy, and history test performance. University of San Francisco.

Minnella, J. M. (۲۰۱۱) Achievement Goals, Self-Efficacy, Metacognition, And Learning Strategies AS Predictors Of Asynchronous Learners' Academic SuCCeSS. Doctoral Dissertation, Capella University.

Pintrich, P.R. (۲۰۰۰). The role of goal orientation in self-regulated learning. In M. Boekaerts, P.R. & m. Zeidner (Eds), Handbook of self-regulation (pp ۴۵۱-۵۰۲). San Diego. CA: Academic Press.

Sen, H. S. (۲۰۱۲). The relationship between the uses of met cognitive strategies and reading Comprehension. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, ۱, ۲۳۰۱-۲۳۰۵.

Shannon, S. V. (۲۰۰۸). Using Metacognitive Strategies and Learning Styles to Create SelfDirected Learners. *Journal of Institute for Learning Styles*. ۱: ۱۴-۲۸.

Sperling, R. A., Howard, B. C., Staley, R., & DuBois, N. (۲۰۰۴) Metacognition and self-regulated learning constructs Electronic version). *Educational Research and Education*. ۱۰ (۲), ۱۱۷- ۱۳۹.

Stekoll, A. (۲۰۱۱). *Bibliotherapy: A proposed treatment for children coping with divorce*. A dissertation presented for the degree of Doctor of Psychology. California: Palo Alto University.

Trickey, S. & Topping, K. J. (۲۰۰۴). "Philosophy for children: A systematic review". *Research Papers in Education*, Vol. ۱۹, No. ۳, ۳۶۵ - ۳۸۰.

Valas, H. (۲۰۰۱) Learned helplessness and psychological adjustment: effects of age, gender and academic achievement. *Journal of Education Research*. ۴۵ (۱): ۷۱ -۴